

صفحاتی که از این پایان‌نامه با خود به پاکستان آورده‌ام (۳۴ تا ۴۱) کافی نیست که از روی آنها در باره کار دکتر رضایی قضاوت منصفانه کنم، زیرا این فقط بخشی از مقدمه مصحح است. متنی که او تصحیح کرده و مقدمه‌ای که در شرح حال مؤلف نوشته و تعلیقاتی که بر کتاب نگاشته، پیش رو ندارم. امیدوارم این پژوهش‌نامه هر چه زودتر چاپ شود تا همگان از خواندن این متن کهن و شیرین و تحقیقات دکتر رضایی بهره یابند. دکتر رضایی در باره اهتمام من در تصحیح و چاپ کتاب ارشاد چنین نظر داده است:



کتاب ارشاد قلانسی پیش از این یک بار، چند سال پس از تصویب آن به عنوان موضوع رساله نگارنده، توسط آقای عارف نوشاهی با وجود آگاهی وی از آغاز

۱. عنوان: تصحیح، بررسی و پژوهش کتاب مجالس شیخ ابو محمد عبداللہ بن محمد قلانسی نسفی معروف به کتاب ارشاد و مواعظ، نگارش حمید رضایی، به راهنمایی دکتر مظفر بختیار، دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه تهران، شهریور ماه ۱۳۸۷، شماره ثبت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۳۸۳۲۹. بر بنده معلوم نشد که دکتر رضایی لقب شیخ برای مؤلف را از کجا گرفته است؛ زیرا کاتبان نسخه برای مؤلف لقب خواجه را به کار برده‌اند.



در باره تصحیح جدید کتاب ارشاد

عارف نوشاهی

در سفر چندروزه خود به تهران در مرداد ماه ۱۳۸۹، خبردار شدم که آقای حمید رضایی از پایان‌نامه دکتری خود درباره کتاب ارشاد قلانسی نسفی دفاع کرده است^۱ خبری بود خوشحال‌کننده و به ایشان تبریک می‌گویم چون خود هم روی ارشاد کار کرده بودم و حدود چهار سال پیش میراث مکتوب آن را نشر کرده است (۱۳۸۵) طبعاً دوست داشتم تحقیق‌نامه دکتر رضایی را ببینم. از آنجا که در تهران فرصت کوتاه بود و گرفتاریهایم زیاد، فقط روز آخر اقامت در تهران، توانستم برای یک ساعت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران پایان‌نامه مذکور را تورق اجمالی کنم – اگر مقررات دانشگاه تهران اجازه می‌داد، از تمام پایان‌نامه زیراکس گرفته با خود می‌آوردم تا با فراغ خاطر از پژوهش دکتر رضایی بهره‌مند شوم ولی اجازه زیراکس بیش از ده صفحه نبود و در مانده بودم که کدام ده صفحه را انتخاب کنم. عجلتاً صفحاتی را برای فتوکپی انتخاب کردم که در آن دکتر رضایی در باره کار من اظهار نظر کرده و نسخه‌های خطی ارشاد را معرفی نموده است (صفحات ۳۴ تا ۴۱) – البته روی جلد پایان‌نامه این هشدار نیز تایپ شده بود: چون این رساله حاوی نکات خاص پژوهشی است از نظر حفظ حقوق نویسنده فقط با اجازه کتبی استاد راهنما یا نویسنده رساله در اختیار گذاشته شود.

کار این‌جانب به وسیله نشر میراث مکتوب (۱۳۸۶) [کذا؛ درست: ۱۳۸۵] به چاپ رسید. این چاپ تنها بر اساس دو نسخه کتابخانه سلیمانیه ترکیه و آرشیو ملی پاکستان صورت گرفته است که به دلیل ضعف نسخه اساس و شتابزدگی در تصحیح متن قابل اعتمادی نیست. در مقایسه‌ای اجمالی بین این چاپ و نسخه‌های چین، اختلاف بسیار آنها با یکدیگر آشکار می‌گردد. افتادگیهای زیاد و دگرگونی واژه‌ها و تأثیر سبک ادواری در نسخه‌های ترکیه و پاکستان تا آنجاست که اصالت و کهنگی متن ارشاد را مخدوش ساخته است. در مورد مقدمه و تعلیقات نیز باید گفت در بسیاری از موارد مصحح دچار اشتباه و کج‌فهمی شده است و نیز بسیاری از اعلام، مأخذ اشعار فارسی و عربی، منابع ارشاد و ... را نیافته که همگی موارد یاد شده در مقدمه و تعلیقات تصحیح حاضر به تفصیل آمده است (ص ۳۴-۳۵).

از سطورى که عیناً نقل شده، قضاوت دکتر رضایی نسبت به کار من معلوم است. او یکبارہ کار بنده را رد کرده است و به اصالت متن چاپکرده میراث مکتوب نظر خوشی ندارد و آن را قابل اعتماد نمی‌داند. البته شرایط آقای رضایی مقتضی بود که چنین نظری را در مقدمه استوار کند تا بتواند از کار تکراری تصحیح، دفاع کند. من بدون این که وارد مجادله لفظی بشوم، به همین چند سطر که از گفتار او نقل شده، پاسخ می‌دهم.

۱. وقتی من روی ارشاد کار شروع می‌کردم نه آقای رضایی را می‌شناختم و نه از آغاز کار او آگاهی داشتم. در خرداد ۱۳۸۵ که تصحیح ارشاد به اتمام رسیده بود و برای سپردن کار به ناشر به تهران رفته بودم، در منزل دکتر مظفر بختیار اولین بار آقای رضایی را دیدم و معلوم شد که وی نیز به عنوان پایان‌نامه دکتری مشغول تصحیح ارشاد است. نسخه‌های ارشاد را دکتر بختیار از چین با خود آورده و در اختیار او قرار داده بود و او هم به من نشان نداد و گفت که نسخه‌ها در شهرستان است.

ثانیاً راه تحقیق برای هر کس باز است و پایان‌نامه‌نویسی دانشجویی مانع تحقیق برای دیگران

نمی‌شود. دهها مثال در عرصه تحقیق وجود دارد که روی یک کتاب در چند جا به وسیله چند نفر کار شده است. این نوع کارها مکمل یکدیگرند و نباید موجب دلخوری و گلایه باشد.

۲. اختلاف نسخه‌های ترکیه و پاکستان با نسخه‌های چین دلیل نمی‌شود که اصالت ارشاد زیر سؤال برود. طبعاً هر نسخه‌ای با نسخه دیگر تفاوت دارد. از کجا معلوم که نسخه‌های چین نسخه‌های اصیل است؟ زیرا حوزه تألیف این کتاب سمرقند است یا نسف و نه چین. قاعدتاً نسخه‌های اصیل را باید در حوزه تألیف کتاب سراغ گرفت نه در چین. هیچ‌کدام از نسخه‌های چینی تاریخ کتابت را ندارد و فقط از روی قیاس نسبت به یک نسخه (کتابخانه خاورشناسی دانشگاه پکن) اظهار نظر شده که از طبقات نسخه‌های قرن هشتم هجری است. همان‌طور که نسخه‌های ارشاد از حوزه تألیف خود به سرزمین چین رفته و کاتبان آنجا نسخه‌ها را به شیوه خود استنساخ کرده‌اند، نسخه‌هایی از ارشاد به بلاد عثمانی و هند نیز رفته و در آنجا استنساخ شده است. نسخه جامع سلیمیه، ادرنه که بعد از چاپ ارشاد بدان دسترسی پیدا کردم، به نظر من از همه نسخه‌ها قدیم‌تر است و در چاپهای بعدی ارشاد باید اساس قرار گیرد. منطقه محدود مسلمان‌نشین چین را نباید با مناطقی مثل شبه‌قاره و عثمانی که از نظر وسعت تاریخی و فرهنگی مراکز استنساخ نسخه‌ها و کانون کتابت مخطوطات اسلامی و شرقی بوده‌اند، دست بالا گرفت. کتابت فارسی در چین بسیار محدود و منحصر به نوع خود بوده است و فقط برای کتابهایی که در مناطق مسلمان‌نشین چین تألیف شده‌اند، می‌تواند قابل استناد باشد نه برای کتابهای خارج از حوزه خود. ثانیاً تا شجره نسب نسخه‌ها معلوم نشود نمی‌توان حکم بطلان نسخه‌های دیگر را صادر کرد. نگارنده چند سال پیشتر نسخه‌ای از گزیده تألیف ابونصر طاهر خانقاهی سرخسی پیدا کردم که با چاپ استاد ایرج افشار (تهران، ۱۳۴۷) تفاوت‌های چشمگیر دارد. این اختلافات موجب نمی‌شود که بگویم چاپ استاد افشار اصالت ندارد.

۳. دکتر رضایی بنده را در تصحیح ارشاد مرتکب به شتابزدگی دانسته است.^۱ او نیک می‌داند که ملاقات



بر طریق املا چیزی جمع کنم تا مر ایشان را فایده بود و مرا دعای خیر بماند. هر چند مرا اهلیت این نبود، اجابت کردم (ص ۱).

نسخه مسجد دنگ سی، چین (نسخه گ)

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين و الصلوة و السلام على رسوله محمد و آله الطيبين و الطاهرين. می گوید خواجه امام زاهد اصیل خطیب ابومحمد عبدالله بن محمد القلانسی النسفی — رحمه الله — که بعضی از دوستان و یاران من آرزو خواستند که آنچه مرا از علم معرفت و وعظ معلوم شده است از کتب پراکنده و از پدر خود — رحمه الله — و از استادان — خدای ایشان را بیامرزاد — بر طریق املا چیزی جمع کنم تا مر ایشان را فایده بود و مر مرا دعای خیر بماند — هر چند مرا اهلیت این نبود، اجابت کردم.

نسخه سلیمیه

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین. می گوید خواجه امام ابومحمد عبدالله محمد بن ابی بکر بن محمد القلانسی — غفر الله له و الوالدیه — که بعضی از دوستان من درخواستند از آنچه مرا در علم معرفت و وعظ معلوم شده است از کتب و از پدر خود — خواجه امام ابوبکر بن محم القلانسی و از استادان خویش — رحمه الله — بر طریق املا چیزی جمع کنم تا مرایشان را فایده بود و مر مرا دعای خیر بماند. هر چند مرا اهلیت این نبود، سخن دوستان را اجابت کردم.

من با دکتر بختیار در حضور وی فقط برای رفع پاره‌ای ابهامات متن بوده و من تا آخرین لحظه تلاش داشتم که این چند مورد حل شود.^۲ اگر شتابی داشتم، با بی تفاوتی و بدون تلاش از موارد مذکور می گذشتم.

۴. دکتر رضایی نسخه اساس کار مرا ضعیف و متن عرضه شده میراث مکتوب را فاقد اعتماد دانسته است و فقط به نسخه‌های چین و کار خود بها داده است. یک مقایسه اجمالی کار خود با تصاویر صفحاتی که از نسخه‌های چین در پایان نامه او ارائه شده، به من نشان داده که ادعای دکتر رضایی نسبت به نسخه‌های من بی اساس است. بر خلاف نظر او که میزان اختلافات نسخه‌های من با نسخه‌های چین بسیار است، این اختلاف بسیار اندک است و چه بسا ضبط نسخه من مفیدتر از نسخه چین بوده مانند نام پدر مؤلف که نسخه اساس من دارد و نسخه چین فاقد آن است. بیشترین اختلافات در کلمات دعاگونه و احترام‌آمیز با نامهای خدا و پیامبران است. معمولاً این اختلافات ناشی از عقاید مذهبی و سلیقه‌های کاتبان هر منطقه است. چنان که دو نسخه‌ای که من به کار برده‌ام در این مورد اختلافات فاحش با یکدیگر دارند و من در مقدمه کتاب متذکر شده‌ام (صفحه هشتاد و دو).

دو نمونه به شرح زیر جهت قضاوت از سوی خوانندگان آورده می‌شود تا ببینند میزان اختلافات نسخه‌های من و آقای رضایی تا چه مقدار است و آیا بر اساس این اختلافات اندک، حکم دکتر رضایی در مورد ضعیف بودن نسخه‌های پاکستان و ترکیه تایید می‌شود؟

تصحیح نوشاهی

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین. می گوید خواجه امام ابومحمد عبدالله بن محمد بن ابی بکر القلانسی — غفر الله له و الوالدیه — که بعضی از دوستان و یاران از من درخواست کردند از آنچه مرا از علم معرفت و وعظ معلوم شده بود از کتب پراکنده و از پدرم — خواجه امام ابوبکر بن محمد القلانسی — تغمده الله بعفوه و غفرانه — و از استادان خویش — رضوان الله علی هم اجمعین —

۱. جالب است آقای رضایی در دفاع پایان نامه این قدر شتاب داشته که حتی به نسخه‌هایی که به داوران داده و اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است دقت نکرده که پریشان است و صفحه ۱۰۰ بعد از صفحه عنوان صحافی شده است. حالا بماند اشتباهات تایپی و بی دقتیها که دو نمونه آن در همین چند سطر مقدمه او نشان داده‌ام.

۲. یکی از واژه‌های مبهم در چاپ من «حسدگی» بوده در این عبارت: و از حسدگی (؟) به گلو باز دارد (ص ۳۹) دکتر رضایی این عبارت را چنین خوانده است: و از چشندگی به گلو باز دارد (ص ۱۰۳) و در نسخه بدل جشیدگی نوشته است.

تصحیح نوشاهی

چه غم روزی امروزینه نکوهیده نیست و دلیل بر آن این است که رسول — صلی الله علیه وسلم — گفت «من اصبح معافی فی بدنه و آمناً فی بینه وله قوت یومه فکانما حیزت له الدنیا بحذا فیرها» گفت هر که بامداد کند برخیزد تندرست و در خانه خویش ایمن و مرو را روزی آن روز آماده باشد چنان استی که گویی همه دنیا آن ویست — معنی آن بود — واللہ اعلم — که آن کس را همه دنیا از آن وی بود، نصیب وی از دنیا جزین نبود. — و رسول — صلی الله علیه وسلم — مر تمامی نعمت دنیا را آمادگی قوت آن روزینه شرط کرد، چه خاصه مومنان را. چون کسی را که قوت آن روزینه آماده نبود به اندیشه بود. دانستم که غم روزی امروزینه خوردن روا بود، اما غم روزی فرداینه خوردن هم به شرع نکوهیده است و هم به عقل، که آورده اند که موسی علیه السلام با مولی عز و جلّ مناجات کرد که ای بار خدای چه بودی اگر غم روزی از دل بندگان برداشتی؟ فرمان آمد که اگر غم روزی از دل بندگان خود برداشتمی مرا فراموش کردند. و تأویل این به غم امروزینه باز گردد. اما غم روزی فرداینه هم خوردن نکوهیده است که آورده اند که مولی عز و جلّ در کتاب پیشینیان چنین فرموده است که هر که غم روزی فرداینه خورد در دیوان وی گناه بنویسند. و آورده اند که مولی عز و جلّ مر داود را علیه السلام چنین فرمود که ای داود هم چنان که ترا آفریده ام تو نیز جز مرا میرست و هم چنان که آنچه روزی قسمت تو کرده ام کسی را اندر آن شریک تو نکرده ام (ص ۱۶۲-۱۶۳).

نسخه کتابخانه دانشکده خاورشناسی پکن، چین (نسخه ب که اساس کار دکتر رضایی است)

چه غم روزی امروزینه خوردن به شریعت دستوری است. دلیل بر آن که رسول عم گفت «من اصبح معافی فی بدنه آمناً فی بینه وله عنده قوت یومه فکانما حیزت له الدنیا بحذا فیرها» گفت هر که بامداد کند برخیزد تندرستی در خانه خویش ایمن و مرو را روزی آن روزینه آماده بود چنان استی که گویی همه دنیا آن ویست. معنی آن است واللہ اعلم که آن کس را همه دنیا از آن وی بود، نصیب وی از دنیا جزین نبود. و رسول عم مر تمامی نعمت دنیا را آمادگی قوت آن روزینه شرط کرد، چون کسی را که

قوت آن روزینه آماده نبود با اندیشه بود. دانستم که غم قوت امروزینه خوردن روا بود، اما غم روزی فرداینه خوردن هم به شریعت نکوهیده است و هم به عقل، چه آورده اند که موسی عم با مولی تع مناجات کرد که ای بار خدای چه بودی اگر غم روزی از دل بندگان برداشتی؟ فرمان آمد که اگر برداشتمی مرا فراموش کردند. و تأویل این به غم روزی امروزینه باز گردد. اما غم روزی فرداینه خوردن نکوهیده است که آورده اند که مولی تع در کتاب پیشینیان چنین فرموده است که هر که غم روزی فرداینه خورد در دیوان وی گناه بنویسند. و آورده اند که مولی تع مر داود را عم چنین فرموده است که ای داود هم چنان که ترا آفریده ام تو نیز جز مرا میرست و هم چنان که روزی قسمت تو کرده ام کسی را اندر آن شریک تو نکرده ام.

نسخه سلیمیه

چه غم روزی امروزینه نکوهیده نیست و دلیل بر آن که رسول — صلی الله علیه وسلم — گفت «من اصبح معافاً فی بدنه و آمناً فی بینه به وله قوت یومه فکانما حیزت له الدنیا بحذا فیرها» گفت هر که بامداد برخیزد تندرست و در خانه خویش ایمن و مرو را روزی آن روزینه آماده چنان استی که گویی همه دنیا از آن وی استی. معنی آن بود — واللہ اعلم — که آن کس را همه دنیا از آن وی بود، نصیب وی ازین دنیا جز این نبود. و رسول — صلی الله علیه وسلم — تمامی نعمت دنیا را آمادگی قوت آن روزینه شرط کرد، چه عامه مومنان را — چون کسی را که قوت آن روزینه آماده نبود با اندیشه بود. پس دانستم که غم روزی امروزینه خوردن روا بود، اما غم روزی فرداینه خوردن هم به شرع نکوهیده است و هم به عقل، که آورده اند که موسی صلوات الله علیه با مولی عز و جلّ مناجات کرد که این بار خدای چه بودی اگر غم روزی از دل بندگان برداشتی؟ فرمان آمد اگر برداشتمی مرا فراموش کردند و تأویل این به غم امروزینه باز گردد. اما غم روزی فرداینه خوردن نکوهیده است که آورده اند که مولی عز و جلّ در کتاب پیشینیان چنین فرموده است که هر که غم روزی فرداینه خورد در دیوان وی گناه بنویسند. و آورده اند که هر که غم روزی فرداینه خورد در دیوان وی گناه بنویسند و آورده اند مولی عز و جلّ



مر داود را علیه السلام چنین فرمود که ای داود هم چنان که ترا من آفریدم تو نیز جز مرا مپرست و هم چنان که آن چه روزی قسمت تو کرده‌ام کسی را اندر آن شریک نکردم (برگ ۴۷).



سپس دکتر رضایی در ادامه گفتار چند مورد اشتباهات بنده را برشمرده است که پاسخ آنها به شرح زیر است:

۱. نوشته‌اند که من چرا نام کنیه جَدِّ مؤلف را ابی‌بکر نوشته‌ام، در حالی که در نسخه‌های دستنویس ارشاد نام او محمد و کنیه او ابوطاهر آمده است (ص ۳۴). چون در نسخه اساس من کنیه ابی‌بکر آمده است، از آن پیروی کردم نسخه‌های ارشاد کنیه ابوطاهر را تأیید نمی‌کنند.

لااقل در تصویری که دکتر رضایی از نسخه چین (نسخه گ) ارائه داده است هیچ‌گونه کنیه جَدِّ مؤلف دیده نمی‌شود. باید در نظر داشت که گاهی پدران اگر بیش از یک فرزند داشتند به اسم هر یکی کنیه داشتند و این را نباید اشتباه به حساب آورد.

۲. در مقدمه خود (صفحات شصت و شش و شصت و هفت) احتمال داده بودم که کتابهای امثال و فروع از آن حکیم ترمذی‌اند. دکتر رضایی هم همین را تأیید کرده است. البته در نسخه‌های من مؤلف ارشاد نام هر دو کتاب را بدون ذکر مؤلف آورده است، ولی دکتر رضایی می‌گوید که فلانسی از هر دو کتاب با ذکر مؤلف نام برده است. شاید در نسخه‌های چین چنین بوده است.

۳. در مقدمه خود (صفحه شصت و هشت) کتاب المصون را نشناختم. دکتر رضایی احتمال داده که شاید المصون فی الادب اثر ابواحمد عسکری باشد (ص ۳۵). چون این هم احتمالی بیشتر نیست، ایراد موجه نیست.

۴. شعری که از روی نسخه سلیمانیه به گونه نثر ضبط کردم (ص ۳۸)، با نسخه سلیمیه مقایسه کردم (برگ ۱۳)، باز هم با روایتی که دکتر رضایی نقل کرده (ص ۳۵) اختلاف دارد. روایت نسخه سلیمیه چنین است:

خوبی که با شیر فرو خورد خلق

بی‌شک با جانش برآید ز حلق

۵. در صفحه ۱۵۷ مطلبی از قول حکیم ترمذی به نثر نوشته بودم که دکتر رضایی می‌گوید این بیتی از ابی‌العتاهیه است (ص ۳۵). شاید هم چنین باشد، ولی هم در نسخه‌های مورد استعمال من و هم در نسخه سلیمیه (برگ ۴۵)، این قول منسوب به حکیم ترمذی و به صورت نثر نقل شده است.

۶. دکتر رضایی می‌گوید که من قولی از ابواللیث سمرقندی را تبدیل به حدیث کرده‌ام (ص ۳۵). حاشا و کلاً این خود ابواللیث است که می‌گوید از قول رسول است و نص حدیث را هم آورده است.